



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۱۱

نویسنده: ن . جلیل زاد

مقاومت، زیباترین کلمه زبان بشر

مقاومت، بلندترین شکل عشق است
ایستادن در برابر ظلم، عمیق‌ترین کار انسانی است.
نه و بلی، دو بال مقاومت است.
جهان دیگری ممکن است، از مقاومت فردی تا همبستگی جهانی.
در تمام زبان‌های جهان، در هر فرهنگی، در هر تمدنی، کلماتی هستند که از جنس سنگ نیستند، از جنس آتش اند.
کلماتی که وقتی آن‌ها را بر زبان می‌آوری، چیزی در سینه ات بیدار می‌شود.
چیزی که خوابیده بود، چیزی که منتظر بود، چیزی که همیشه می‌دانست اما جرأت گفتن نداشت.
«مقاومت» یکی از این کلمات است.
شاید زیباترین آن‌ها. شاید عمیق‌ترین آن‌ها. شاید انسانی‌ترین آن‌ها.
مقاومت را معمولاً با جنگ تعریف می‌کنند.
با سلاح، با خون، با میدان نبرد.
اما این تعریف، هم ناقص است و هم ناعادلانه. مقاومت واقعی، بسیار عمیق‌تر از این است. مقاومت یعنی آن لحظه
ای که انسان در برابر فشاری که می‌خواهد او را خم کند، راست می‌ایستد.
آن لحظه ای که در برابر صدایی که می‌گوید «تسلیم شو»، صدایی دیگر از اعماق وجودش بلند می‌شود و می‌گوید
«نه».
این «نه»، کوچک‌ترین و در عین حال بزرگ‌ترین کلمه ای است که بشر تا به حال ساخته است.
ارسطو می‌گفت که انسان موجود سیاسی است.
اما پیش از اینکه سیاسی باشد، انسان موجود کرامت است.
موجودی که در درونش چیزی هست که تحقیر را نمی‌پذیرد، که ظلم را نمی‌پذیرد، که بردگی را نمی‌پذیرد، حتی
اگر بردگی با لباس نو و نام زیبا بیاید.
و مقاومت، دقیقاً همین است: صدای آن چیز درونی که می‌گوید «من از این بیشترم».
من لایق این بیشترم.
جهان باید از این بهتر باشد.
در جهان امروز، مقاومت پیچیده‌تر از همیشه است.
دشمن دیگر چهره ندارد.
دیگر سربازی نیست که در کوچه و خیابان بایستد.
دیگر پادشاهی نیست که بر تخت طلا بنشیند. امروز دشمن، انتزاعی است.
در اعداد و ارقام بازار زندگی می‌کند.
در تصمیمات هیئت مدیره‌های شرکت‌های فراملی پنهان است.
در توافق‌نامه‌هایی که پشت درهای بسته امضا می‌شوند نفس می‌کشد.
در سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی جریان دارد.
این دشمن نه خون می‌ریزد، نه فریاد می‌زند. آرام و بی‌صدا، مثل آبی که سنگ را می‌ساید، کرامت انسان‌ها را
می‌فرساید.
فقر تولید می‌کند و آن را «اصلاحات اقتصادی» می‌نامد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

نابرابری می آفریند و آن را «قانون بازار» می خواند .
محیط زیست را نابود می کند و آن را «پیشرفت» معرفی می کند .
روزانه سی هزار کودک فقیر می میرند و این سیستم، بدون لُرزش ابروان، به کارش ادامه می دهد.
در برابر چنین دشمنی، مقاومت باید هوشمندانه باشد .
باید چندلایه باشد .
باید همزمان هم «نه» بگوید و هم «آری» .
و این دقیقاً همان چیزی است که مقاومت واقعی را از اعتراض ساده متمایز می کند. اعتراض فقط رد می کند .
مقاومت هم رد می کند و هم می سازد .
هم ویران می کند و هم بنا می گذارد .
هم دیوار را می شکند و هم سنگ و تهداب خانه نو را می گذارد.
«نه» گفتن به تحقیر، به فقر، به نابرابری، به جنگ های تهاجمی، به رسانه های دروغ پرداز، به سانسور، به نژادپرستی، به هر شکلی از ستم، اولین قدم مقاومت است .
اما این «نه»، تنها در صورتی معنا پیدا می کند که با «آری» همراه باشد .
آری به همبستگی .
آری به عدالت .
آری به کرامت انسان .
آری به محیط زیست .
آری به حقوق زنان، بومیان، اقلیت ها .
آری به جهانی که در آن یک کودک آفریقایی به اندازه یک کودک اروپایی حق دارد زندگی کند، بخواند، رشد کند و رویا داشته باشد.
مقاومت، تنها عمل سیاسی نیست .
مقاومت، عمیقاً اخلاقی است .
ریشه اش در آن چیزی است که فیلسوفان «کرامت انسانی» می نامند .
کرامتی که نه از قانون می آید، نه از دولت، نه از بازار .
از درون انسان می جوشد .
از همان جایی که وقتی کسی به او می گوید «تو هیچی»، صدایی در درونش می گوید «نه، من همه چیزم .»
این صدا، آغاز مقاومت است .
این صدا، بنیان هر انقلاب راستینی است که تاریخ به خود دیده.
اما مقاومت بدون دانش، نابیناست .
بدون سازماندهی، ناتوان است .
بدون همبستگی، تنهاست .
یک نفر که مقاومت می کند، قهرمان است .
ده نفر که مقاومت می کنند، گروه اند. میلیون ها نفر که مقاومت می کنند، تاریخ را عوض می کنند .
و تاریخ، بارها و بارها این را ثابت کرده .
گاندی بدون ملت هند، فقط یک پیرمرد لاغر با عصا بود .
ماندلا بدون مردم جنوب آفریقا، فقط یک زندانی در جزیره ای دورافتاده بود .
مارتین لوتر کینگ بدون جنبش حقوق مدنی، فقط یک کشیش خوش بیان بود .
اما وقتی فرد با جمع پیوند می خورد، وقتی آگاهی با اراده ترکیب می شود، وقتی «نه» های پراکنده به یک «نه» ای بزرگ تبدیل می شوند، آن وقت است که دیوارها فرو می ریزند.
مقاومت امروز باید در سطوح مختلف اتفاق بیفتد .
در سطح فردی، یعنی آگاه بودن، پرسیدن، نپذیرفتن دروغ هایی که هر روز از رسانه ها سرازیر می شوند .
در سطح اجتماعی، یعنی ساختن جنبش های مدنی، اتحادیه های کارگری، سازمان های مردم نهاد که صدای کسانی باشند که صدایشان شنیده نمی شود .
در سطح جهانی، یعنی همبستگی فراملی، یعنی فهمیدن این حقیقت که فقر کودک آفریقایی با ثروت بی حد شرکت های فراملی به هم وصل اند، که تخریب محیط زیست آمازون با سود کمپنی های بزرگ رابطه مستقیم دارد، که هیچ کدام از مشکلات بزرگ جهان را نمی توان به تنهایی حل کرد.

زیباترین چیز در مورد مقاومت این است که همیشه امیدوار است .
مقاومت بدون امید، ممکن نیست .
کسی که امید ندارد، تسلیم می شود .
کسی که مقاومت می کند، یعنی هنوز باور دارد که جهان می تواند بهتر از این باشد .
یعنی هنوز باور دارد که آینده بهتر ممکن است. این امید، نه سادگی است و نه خوش‌خیالی .
این امید آگاهانه است .
امید کسی که می داند وضع چقدر بد است، اما می داند که تسلیم شدن، آن را بدتر می کند.
مقاومت، عشق است .
عشق به انسان، به زندگی، به آینده، به کودکانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند .
هر کسی که مقاومت می کند، در واقع می گوید: «من به اندازه ای به این جهان اهمیت می دهم که حاضرم برایش بایستم .
حاضرم برایش بجنگم .
حاضرم برایش هزینه بدهم.»
و این، بلندترین شکل عشق است.
جهان دیگری ممکن است .
این جمله ساده، شعار میلیون ها انسان مقاوم در سراسر جهان است .
و در این جمله، تمام معنای مقاومت نهفته است .
نه پذیرفتن جهان موجود به عنوان تنها جهان ممکن .
باور داشتن به اینکه می توان جهان دیگری ساخت .
جهانی که در آن کرامت انسان بالاتر از سود بازار است .
جهانی که در آن عدالت شعار نیست، واقعیت است .
جهانی که در آن هر کودکی، هر کجا که به دنیا آمده باشد، حق زندگی، آموزش و آینده دارد.
و مقاومت، راه رسیدن به آن جهان است .
نه راهی آسان .
نه راهی کوتاه .
اما تنها راهی که ارزش رفتن دارد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد